

اثربخشی آموزش سبک‌های فرزندپروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران در منطقه ۱۰ شهر تهران

The effectiveness of parenting styles training on the rate of alexithymia of mothers in district 10 of Tehran

Reyhaneh Norozi

M.A, Family Counseling, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran

Email: r.e.h.no.c.97@gmail.com

Mojgan Mardani Rad

Assistant Professor, Faculty Member of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran

ریحانه نوروزی *

کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی- ایران.

مژگان مردانی راد

استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی- ایران.

Abstract

This research aimed to evaluate the effectiveness of parenting styles training on mothers' alexithymia rate. The study method was experimental with pre-test post-test control group design. The statistical population consisted of 60 mothers referred to Quran cultural centers in district 10 of Tehran. Samples were 30 mothers selected through simple random sampling. Data collection tools were Baumrind parenting style questionnaire and Toronto alexithymia scale. For analysis, the Shapiro-Wilk (to check the normality of data) and covariance tests were used. The results indicated that parenting styles training had a significant effect on mothers' alexithymia.

Keywords: Parenting Styles, Alexithymia, Mother Education.

چکیده

هدف پژوهش، اثربخشی آموزش سبک‌های فرزندپروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش: روش آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری: شامل ۶۰ نفر از مادران مراجعه کننده به فرهنگسرای قرآن منطقه ۱۰ تهران می‌باشند. نمونه: ۳۰ نفر از بین مادران مراجعه کننده بود که از طریق نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات: پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲)، ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۸۵)، که برای تجزیه و تحلیل از آزمون شاپیرو ویلک (جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها) و از آزمون کوواریانس استفاده گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که آموزش سبک‌های فرزندپروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران تأثیر معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، ناگویی هیجانی، آموزش مادران.

مقدمه

فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. البته باید توجه داشت که در این تعریف روش‌های بهنجار فرزندپروری مورد نظر است. بامریند، روش‌های فرزندپروری را بر اساس تفاوت‌های آن در کنترل فرزندان، متمایز کرده است. اگرچه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی به نظر می‌رسد که همه‌ی والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان، نقش اولیه را بر عهده دارند. تحقیقات معاصر در شیوه‌های فرزند پروری، از مطالعات بامریند روی کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. استنباط بامریند از شیوه‌های فرزند پروری بر روی یک رویکرد شیب شناسی بنا شده است. که بر روی ترکیب فرزند پروری متفاوت، متمرکز است. تفاوت در ترکیب عناصر فرزند پروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواست‌های بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخ‌های کودک به تأثیر والدین ایجاد می‌کند (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳).^۱ بامریند^۲ (۱۹۹۱) چهار شیوه فرزندپروری را نام می‌برد که عبارتند از: ۱- مقتدرانه: در این شیوه تربیتی، محبت و کنترل والدین نسبت به فرزندان، زیاد است. ۲- مستبدانه: والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و همچنین بر فرزندان خود کنترل بسیاری به کار می‌گیرند. ۳- آسان گیرانه: والدین آسان گیر نسبت به فرزندان خود کنترل کمتری دارند و محبت نسبت به آن‌ها زیاد است و مهرورزی خط وسط الگوی موجود را به خود اختصاص می‌دهد. ۴- مسامحه کارانه: در این شیوه تربیتی، کنترل و محبت به فرزندان در کمترین سطح قرار دارد. هدف در فرزند پروری در چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، آسان گیرانه و مسامحه کارانه برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است. سبک‌های فرزند پروری از جمله مفاهیمی است که مطرح کننده روش‌ها و فنون برخورد والدین با فرزندان در خانواده می‌باشد. دارلینگ و استرنبرگ (۱۹۹۳)،^۳ (به نقل از حیدری خواه، ۱۳۹۰) سبک‌های فرزندپروری را منظومه‌ای از نگرش‌ها، نحوه برقراری ارتباط و روش نگهداری فرزند و همچنین جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین تعریف می‌کنند. سبک‌های فرزندپروری از سه جنبه مورد بررسی قرار گرفته‌اند: اهداف مربوط به جامعه پذیری، عملکرد والدین در کسب اهداف از سوی فرزندان و جو عاطفی حاکم بر خانواده. منظور از اهداف، نتایج و غایت‌هایی است که والدین در جریان جامعه پذیری فرزندان خود در پی آن هستند. مقصود از عملکرد والدین نیز مجموعه کنش‌های پدر و مادر، در نهایت منظور از جو عاطفی، مجموعه روابط عاطفی، دلبستگی‌ها و انسجام میان اعضای دیگر خانواده می‌باشد (استرنبرگ، ۲۰۰۱).^۴ نوع سبک فرزندپروری که والدین از خود نشان می‌دهند بر رشد کودک تأثیر بسیاری می‌گذارد (بورن استین و زلوتنیک، ۲۰۰۸).^۵ پژوهش‌های مربوط به ارتباط والدین با کودک، که نگرش‌ها و اعمال والدین را در فرآیند فرزندپروری مورد بررسی قرار داده‌اند، تحت تأثیر کارهای بامریند و بوری^۶ (۱۹۹۱) قرار دارد که به طور کلی سه الگوی حاکم بر روابط والدین و فرزندان را مطرح کرده است: قاطع، سهل گیر و مستبد. بنابراین هر خانواده شیوه خاصی در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شود متأثر از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی،

^۱Darling and sternberg^۲baumrind^۳Darling and sternberg^۴sternberg^۵ Bornstein and Zlotnik^۶ Bamrind and Bori

سیاسی، اقتصادی و... است. شیوه‌های فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه‌ای از رفتارها که تعاملات والد-کودک را در طول دامنه‌ی گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند، تعریف شده است. که این شیوه‌ها یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳^۱ و اما متغیر دیگر در این پژوهش، ناگویی هیجانی می‌باشد که عبارت است از: آشفتگی در کنش‌های عاطفی و شناختی، همراه با ناتوانی تبدیل انگیختگی عاطفی تجربه‌ها به احساسات و تخیلاتی است که نماد و نشانه هیجان‌ها ست. از ویژگی‌های ناگویی هیجانی می‌توان به توصیف مدام نشانه‌های جسمی به جای هیجان‌ها، گفتار و افکار عینی وابسته به وقایع بیرونی همچنین فقر و محدودیت زندگی تخیلی اشاره کرد (سیفنوس ۲۰۰۰^۲). ناگویی هیجانی شامل سه خورده مقیاس (دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی ست که در زیر، هر یک از سه خورده مقیاس تعریف شده است): ۱- اشکال در تشخیص احساسات، عدم توانایی در جداسازی احساسات و تغییرات بدنی ناشی از تحریکات ذهنی: مشکل در شناسایی احساسات زمانی رخ می‌دهد که فرد در تمایز میان احساسات دچار پریشانی می‌شود. ۲- اشکال در توصیف و بیان احساسات خود برای دیگران: مشکل در توصیف احساسات هنگامی است که فرد نمی‌تواند آنچه را که به لحاظ هیجانی احساس کرده، بیان کند. ۳- تفکر معطوف به بیرون؛ تیلور، بگبی و پارکر^۳ (۱۹۹۷). جهت گیری تفکر بیرونی زمانی رخ می‌دهد که فرد تمایل به تفکر درباره امور به صورت بیرونی و در تضاد با جهت گیری تفکر درونی دارد (لاند و همکاران، ۲۰۰۲^۴). این پژوهش قصد دارد به این سؤال که آیا آموزش سبک‌های فرزند پروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران تأثیر دارد، پاسخ دهد.

پیشینه پژوهش

در تحقیق حیاتی، زهرا^۱ (۱۳۹۷)، یافته‌ها مبنی بر این است که میزان نشخوار فکر، ناگویی هیجانی در مادران کودکان عادی، کمی کمتر از مادران دارای کودکان کم توان ذهنی، می‌باشد. در پژوهش‌های ملکی اناری مرزی، زینت و غفاری، مجید (۱۳۹۵). یافته‌ها نشان داد که سبک والدینی آسان‌گیر بر دشواری در شناسایی و توصیف احساسات در رابطه مستقیم و مثبت دارد. دشواری در شناسایی و توصیف احساسات در رابطه‌ی سبک والدینی مستبد بر هوش هیجانی نقش واسطه‌ای دارد. در تحقیق قلی پور، مریم (۱۳۹۷). نتایج نشان می‌دهد که بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با ناگویی هیجانی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین نتایج بیانگر این است که بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با عاطفه مثبت و منفی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. در پژوهش احمدی، تیمور (۱۳۹۷). نتایج نشان می‌دهد که بین سلامت عمومی، سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و حمایت اجتماعی با ناگویی هیجانی ارتباط معناداری وجود دارد. در تحقیق محمدی، غلامرضا (۱۳۹۵). نتایج نشان داد که آمادگی به اعتیاد با ناگویی هیجانی و فرزند پروری سهل گیرانه و فرزندپروری مستبدانه رابطه‌ی مثبت و با فرزندپروری مقتدرانه و دین داری رابطه منفی معنی دار داشت. نتیجه گیری نتایج نشان داد که ناگویی هیجانی و سبک‌های فرزندپروری و دین داری قادر به تبیین معنادار آمادگی به اعتیاد در نوجوانان می‌باشد. این پژوهش قصد دارد به این سؤال که آیا آموزش سبک‌های فرزند پروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران تأثیر دارد، پاسخ دهد.

¹ Darling and sternberg

² Syphenus

³ Taylor, Bagby and Parker

⁴ Land and et

روش پژوهش

این پژوهش از نوع روش آزمایشی با طرح "پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری مادران ساکن در منطقه ۱۰ شهرداری تهران می‌باشد که در سال ۱۳۹۸ در این منطقه از تهران ساکن بوده و در برنامه‌های فرهنگسرای قرآن این منطقه شرکت می‌نمایند. نمونه آماری در این پژوهش تعداد ۶۰ نفر از مادران فرهنگسرای قرآن هستند که ۳۰ نفر از آن‌ها برای شرکت در دوره سبک‌های فرزندپروری اعلام آمادگی نمودند. و بصورت دسترس می‌باشد. (یعنی حجم نمونه ۳۰ نفر می‌باشد) که تعداد ۱۵ نفر از این افراد به عنوان گروه کنترل و تعداد ۱۵ نفر مابقی به عنوان گروه آزمایش در نظر گرفته شد. (لازم به ذکر است از ۱۵ نفری که به عنوان گروه کنترل و همچنین از ۱۵ نفری که به عنوان گروه آزمایش بودند، قبل و بعد از برگزاری کارگاه، آزمون گرفته شد). در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. (این دوره در بازه زمانی اسفند ۹۷ الی خرداد ۹۸ برگزار شد) گروه کنترل چه در مرحله پیش‌آزمون و چه در مرحله پس‌آزمون تحت مداخله متغیر مستقل قرار نمی‌گیرد و گروه آزمایش تحت مداخله متغیر مستقل (در این پژوهش دوره آموزش سبک‌های فرزندپروری) قرار می‌گیرد. در این تحقیق، از پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری بامریند، ناگویی هیجانی تورنتو، و برای تجزیه و تحلیل از آزمون شاپیرو ویلک (جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها) و از آزمون کوواریانس و نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. در این پژوهش به ملاک‌های ورود و خروج و شرایط اخلاقی در درمان و همچنین روش استفاده شده جهت آموزش سبک‌های فرزندپروری پرداخته شده است: ملاک‌های ورود: ۱- مادران دارای فرزند زیر ۱۲ سال ۲- دارای حداقل سواد خواندن و نوشتن، ملاک‌های خروج: عدم وجود ملاک خروج از تحقیق. شرایط اخلاقی: ۱- پژوهشگر نسبت به رعایت اصول اخلاقی توسط همکاران، دستیاران، دانشجویان و کارمندان نیز مسئول است. ۲- پژوهشگر نسبت به ارزشیابی مطالعه اش در پیروی از اصول اخلاقی مسئولیت دارد. ۳- پژوهشگر باید به آزادی افراد برای مشارکت در پژوهش یا کناره‌گیری از آن در هر زمان احترام بگذارد. ۴- پژوهشگر موظف است آزمودنی‌ها را در تحقیق نسبت به مسئولیت‌هایشان آگاه ساخته و تمام جوانب را که در آزمودنی‌ها اثر می‌گذارد دقیقاً روشن نموده و سؤالات آن‌ها را به روشنی پاسخ دهد. ۵- اطلاعاتی که در ضمن اجرای تحقیق از شرکت کنندگان جمع‌آوری می‌شود، بایستی محرمانه بماند.

جدول ۱- پروتکل جلسات آموزش- روش لین کلارک (۱۹۳۸)

هدف	
جلسه اول	۱- آشنایی و معرفی (اعضا) ۲- پرداختن به اهمیت تعلیم و تربیت و تعریف آن ۳- اجرای پیش‌آزمون
جلسه دوم	۱- تعریف فرزندپروری ۲- معرفی سبک‌های فرزندپروری و خصوصیات هر سبک
جلسه سوم	۱- معرفی قواعد اساسی برای فرزندپروری موثر ۲- چگونگی استفاده از قوانین تقویت
جلسه چهارم	۱- معرفی اشتباهات شایع والدین ۲- روش‌های تنبیه مناسب، آشنایی با برخی ناسازگاری‌ها و مشکلات رایج کودکان و نحوه مواجهه‌ی مناسب با آن‌ها
جلسه پنجم	آشنایی با ویژگی‌ها و شرایط رشدی کودکان و تأثیر منفی جملات انتقادی و مایوس کننده
جلسه ششم	۱- مقایسه سبک‌های فرزندپروری با هم و کشف بهترین شیوه ۲- نتیجه‌گیری ۳- اجرای پس‌آزمون

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری

پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزندپروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱) ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. جمله‌های شماره ۱، ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹ به شیوه‌ی سهل‌گیرانه و جمله‌های شماره ۲۶، ۲۵، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲۹ به شیوه‌ی استبدادی و جمله‌های شماره ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۸، ۴، ۵ به شیوه‌ی قاطع و اطمینان بخش مربوط می‌باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره‌های سوال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می‌آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تأیید شده است بورای^۱ (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی، رابطه منفی با سهل‌گیری ($r = 0/38$) و اقتدار منطقی ($r = 0/48$) دارد. و شیوه سهل‌گیری، رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدار منطقی نداشت ($r = 0/07$) (مهرفروز، ۱۳۷۸). بورای^۲ (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش (باز آزمایی) استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد: $0/81$ برای شیوه سهل‌گیرانه، $0/86$ برای شیوه استبدادی، $0/78$ برای شیوه اقتداری. او همچنین (ثبات درونی) را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ) محاسبه نمود که $0/75$ برای شیوه سهل‌گیری، $0/85$ برای شیوه استبدادی و $0/82$ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرفروز، ۱۳۷۸). در انستیتو روان‌پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی (۲ نفر دکترای روان‌شناسی، یک نفر روان‌پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان‌شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان‌شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است.

پرسشنامه ناگویی هیجانی

نسخه‌ی فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو^۳ (بگبی، پارکر و تیلور، ۱۹۹۴) یک آزمون ۲۰ ماده‌ای است و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره‌ی ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره‌ی ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد. یک نمره‌ی کل نیز از جمع نمره‌های سه زیر مقیاس برای ناگویی هیجانی کلی محاسبه می‌شود. این مقیاس برای اجرا در نمونه‌های عمومی و بالینی مناسب است و می‌تواند برحسب شرایط به صورت فردی یا گروهی اجرا شود. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو - ۲۰ در پژوهش‌های متعدد خارجی (پارکر، تیلور و بگبی، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳؛ تیلور و بگبی، ۲۰۰۰) و نسخه‌ی فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو - ۲۰ (FTAS-20)؛ بشارت، ۲۰۰۷ الف، ۲۰۰۷ ب، ۲۰۰۸) تأیید شده است. روش نمره‌گذاری: ابتدا نمره‌های شماره ۴، ۵، ۱۰، ۱۸ و ۱۹ را معکوس کرده ($1=5$ ، $2=4$ ، $3=3$ ، $4=2$ ، $5=1$) در این حالت $3=3$ است). سپس، نمره هر گزینه به این صورت مشخص می‌شود: کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، نه مخالف، نه موافق=۳، موافق=۴، کاملاً موافق=۵. سپس نمره هر یک از زیرمقیاس‌های سه‌گانه شامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی، با جمع نمره‌های تعداد ماده‌های هر زیر مقیاس

¹ Boray

² Boray

³ Toronto

⁴ Bagby, Parker and Taylor

⁵ Parker, Taylor and Bagby

⁶ Taylor and Bagby

محاسبه می‌شود: دشواری درشناسایی احساسات (۱، ۳، ۶، ۷، ۹، ۱۳، ۱۴)، دشواری در توصیف احساسات (۲، ۴، ۱۱، ۱۲، ۱۷)، تفکر عینی (۵، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰). برای محاسبه نمره کل ناگویی هیجانی، نمره هر ۲۰ ماده را جمع کنید.

یافته‌ها

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "سن"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
20.0	20.0	3	زیر ۳۰ سال	26.7	26.7	4	زیر ۳۰ سال
66.7	66.7	10	۳۰ تا ۴۰ سال	53.3	53.3	8	۳۰ تا ۴۰ سال
13.3	13.3	2	بالای ۴۰ سال	20.0	20.0	3	بالای ۴۰ سال
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب مربوط به سنین ۳۴ سال و ۴۰ سال و میانه در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب ۳۴ و ۳۷ و نیز میانگین در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب ۳/۶۷ و ۳۵/۴۷ می‌باشد.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "میزان تحصیلات"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
33.3	33.3	5	سیکل	13.3	13.3	2	سیکل
40.0	40.0	6	دیپلم	40.0	40.0	6	دیپلم
13.3	13.3	2	فوق دیپلم	6.7	6.7	1	فوق دیپلم
6.7	6.7	1	لیسانس	26.7	26.7	4	لیسانس
6.7	6.7	1	فوق لیسانس	6.7	6.7	1	فوق لیسانس
				6.7	6.7	1	دکتر
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش مربوط به تحصیلات دیپلم می‌باشد.

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "شغل"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
66.7	66.7	10	خانه دار	80.0	80.0	12	خانه دار
26.7	26.7	4	مربی	13.3	13.3	2	مربی
6.7	6.7	1	پزشک	6.7	6.7	1	پزشک
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش مربوط به شغل خانه‌داری می‌باشد.

جدول ۵- مربوط به مقایسه میانگین ابعاد ناگویی هیجانی (دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی) در دو گروه آزمایش و کنترل با پیش‌آزمون و پس‌آزمون

Tests of Between-Subjects Effects

ابعاد متغیر ناگویی هیجانی	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مرحله / گروه	میانگین	F	سطح معناداری
دشواری در شناسایی احساسات	Corrected Model	507.879(a)	2	پیش آزمون کنترل	17.47	5.826	.008
	Intercept	466.943	1	پس آزمون کنترل	16.53	10.713	.003
	میزان ناگویی هیجانی	231.846	1	پیش آزمون آزمایش	18.47	5.319	.029
	گروه	418.697	1	پس آزمون آزمایش	11.93	9.606	.004
	خطا	1176.821	27	جمع	16.10		
دشواری در توصیف احساسات	Corrected Model	39.718(a)	2	پیش آزمون کنترل	14.13	3.958	.031
	Intercept	156.312	1	پس آزمون کنترل	12.73	31.151	.000
	دشواری در توصیف احساسات	1.185	1	پیش آزمون آزمایش	15.33	6.236	.031
	گروه	39.714	1	پس آزمون آزمایش	10.47	7.915	.009
	خطا	135.482	27	جمع	13.17		
تفکر عینی	Corrected Model	128.103(a)	2	پیش آزمون کنترل	15.53	4.262	.025
	Intercept	244.567	1	پس آزمون کنترل	17.87	16.274	.000
	تفکر عینی	123.303	1	پیش آزمون آزمایش	18.20	8.205	.008
	گروه	.968	1	پس آزمون آزمایش	18.67	.064	.802
	خطا	405.763	27	جمع	17.57		

بحث و نتیجه گیری

در جدول بالا نتایج آزمون کوواریانس برای مقایسه میانگین نمره ابعاد "دشواری در شناسایی احساسات"، "دشواری در توصیف احساسات" و "تفکر عینی" متغیر ناگویی هیجانی در دو گروه آزمایش و کنترل با پیش‌آزمون و پس‌آزمون آورده شده است. نتایج آماره‌های استخراج شده نشان می‌دهد نمره شاخص دشواری در شناسایی احساسات و نمره شاخص دشواری در توصیف احساسات در پس‌آزمون آزمایش به طور محسوسی کاهش یافته است. و همچنین نمره شاخص تفکر عینی در پس‌آزمون آزمایش تغییر محسوسی نداشته است. در این پژوهش از آزمون کوواریانس برای تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران، استفاده گردید که نشان داد بین آموزش سبک‌های فرزندپروری با ناگویی هیجانی مادران تأثیر معنادار وجود دارد. مطالب ارائه شده در کارگاه آموزشی به صورت محسوس و معناداری میزان ناگویی هیجانی را بهبود بخشیده است. که این نتیجه با نتایج کازاره (۱۳۹۴) و کوله مرز (۱۳۹۱) همسو بوده و مطابقت داشت. و همچنین با پژوهش شجری و حجازی (۱۳۹۸) با عنوان نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی در دانش آموزان دختر شهر زنجان نیز مطابقت دارد. تحقیقات این افراد نشان داد که بین سبک فرزندپروری مستبدانه با مؤلفه‌ی دشواری در توصیف احساسات و سبک مقتدر با ناگویی خلقی کل و تمامی مؤلفه‌های آن نیز، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و همین‌طور با نتایج قلی پور، احمدی، جعفرزاده و ذورقی (۱۳۹۷)، شاهقلیان، مرادی و کافی (۱۳۸۷)، عیسی زادگان و فتح آبادی (۱۳۹۲)، حاتمی و همکاران (۱۳۹۳)، بشرپور و همکاران (۱۳۹۴)؛ تیلور و بگی (۲۰۰۴)، مطابقت دارد. در تبیین یافته‌ها

می‌توان گفت سبک فرزندپروری قاطع باعث افزایش عواملی چون عزت نفس، نظم دهی هیجانی در مادران خواهد شد و این عامل در کاهش ابعاد ناگویی هیجانی (دشواری در شناسایی و توصیف احساسات و تفکر عینی) آن‌ها اثرگذار خواهد بود. پارکر، تیلور و بگبی (۱۹۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی نشان داده‌اند که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در شناسایی صحیح هیجان‌ها از چهره‌ی دیگران مشکل دارند. فوکونیشی و همکاران (۱۹۹۷) گزارش کردند که در مطالعه دانشجویان دارای تجربه مراقبت مادری ضعیف، آزمودنی‌ها، مخصوصاً در زمینه دشواری ابراز احساسات، ویژگی‌های ناگویی هیجانی را نشان دادند. بشارت (۱۳۸۸ ب) در تحقیق بر روی دانشجویان دانشگاه تهران دریافت که ناگویی خلقی با مشکلات بین فردی همبستگی مثبت دارد. براساس این یافته‌ها می‌توان گفت اگر مادران براساس سبک فرزندپروری مقتدرانه عمل کنند در کاهش ناگویی هیجانی آن‌ها اثرگذار خواهد بود. محدودی‌ها شامل: عدم حضور پدران در دوره آموزش سبک‌های فرزندپروری؛ تنها ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه بود که جنبه خودگزارشی دارد؛ وجود محدودیت مکانی (این تحقیق در شهر تهران صورت گرفته است و نمی‌تواند نتایج آن به شهرهای دیگر تعمیم داده شود) پیشنهاد: در تحقیقات بعدی پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در تحقیق خود به عامل همسان بودن شرکت کنندگان از لحاظ وضعیت اجتماعی-اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی در دوره آموزش سبک‌های فرزندپروری، توجه کنند. و همچنین عامل تغذیه و مزاج شناسی (طبع گرمی و سردی) والدین نیز با مولفه‌های ناگویی هیجانی، مورد سنجش قرار گرفته شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع

- [۱] احمدی، تیمور (۱۳۹۷). رابطه‌ی سلامت عمومی، سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و حمایت اجتماعی با ناگویی هیجانی. پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- [۲] بگیان کوله مرز، محمدجواد. درتاج، فریبرز و محمد امینی، مهدی (۱۳۹۱). مقایسه ناگویی خلقی و کنترل عواطف در مادران دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. مجله ناتوانی یادگیری، ۲(۴۲-۶)، ۶-۲۴.
- [۳] بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸ ب). ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی. مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، ۱۰ (۱)، ۱۲۹-۱۴۵.
- [۴] حیاتی، زهرا (۱۳۹۷). مقایسه نشخوار فکر، ناگویی هیجانی در مادران دارای کودکان کم توان ذهنی و مادران کودکان عادی. ششمین همایش علمی پژوهش علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- [۵] شاهقلیان، مهناز. مرادی، علیرضا و کافی، موسی (۱۳۸۶). رابطه الکسی تیمیا با سبک‌های ابراز هیجان و سلامت عمومی در دانشجویان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۳ (۳)، ۲۳۸-۲۴۸.
- [۶] شجری، خدیجه و حجازی، مسعود (۱۳۹۸). نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی در دانش‌آموزان دختر شهر زنجان. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان. دوره ۶. شماره ۲.
- [۷] عیسی زادگان، علی و فتح آبادی، جلیل (۱۳۹۱). نقش راهبردهای نظم دهی شناختی هیجان و سلامت عمومی در ناگویی خلقی. روانشناسی تحولی: روانشناسی ایرانی، ۸ (۳۱)، ۲۵۹-۲۶۹.
- [۸] قلی پور، مریم (۱۳۹۷). رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با ناگویی هیجانی با نقش واسطه‌ای عواطف مثبت و منفی. پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.

[۹] محمدی، غلامرضا (۱۳۹۵). نقش دین داری، سبک‌های فرزندپروری و ناگویی هیجانی در آمادگی به اعتیاد نوجوانان. فصل نامه طب انتظامی. ۵ (۳): ۲۱۲-۲۰۵.

[۱۰] ملکی اناری مرزی، زینت و غفاری، مجید (۱۳۹۵). نقش واسطه ای ناگویی هیجانی بر رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و هوش هیجانی دانشجویان، سومین کنفرانس بین المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران، مؤسسه آموزش عالی نیکان.